شهاب دبیر کل جامعه جوانان متحد اسلامی:

احزاب باید کانون کادرسازی و مرجعیت سیاسی در کشور باشند

سرویس سیاسی – دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی گفت: تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بر موضوع «کادرسازی» است. جایگاه مناسب برای نهادینه‌سازی این ساختار آموزشی، بی‌تردید احزاب هستند.

فرید شهاب دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی راجع به ضرورت تربیت نیروی سیاسی توسط احزاب کشور بیان کرد: یکی از کارکردهای مهم احزاب در عرصه سیاسی، جذب نیروی انسانی کارآمد است؛ یعنی شناسایی و عضویابی افرادی که توانایی و شایستگی لازم را دارند. پس از جذب این نیروها، مرحله آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. اکنون که در گام دوم انقلاب اسلامی قرار داریم، آموزش نیروها و «کادرسازی» آن‌گونه که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید فرموده‌اند اهمیت بسزایی پیدا کرده است.

وی ادامه داد: کادرسازی به معنای پرورش نیروهای کارآمد از میان افرادی است که جذب شده، به عضویت درآمده و در یک فرآیند حزبی و سازمانی آموزش دیده‌اند و پس از گذراندن آزمون‌های لازم شناسایی شده‌اند. برای اداره کشور به‌طور کلی به حدود سه هزار مدیر کارآمد نیاز داریم. در بسیاری از آسیب‌شناسی‌ها مشخص شده که یکی از مشکلات جدی امروز کشور، حضور مدیران ناکارآمد یا انتصاب افراد بدون رعایت اصل شایسته‌سالاری در مسئولیت‌های مدیریتی است. این وضعیت آینده کشور را دچار مخاطره می‌کند، چراکه خسارات ناشی از تصمیمات نادرست مدیران ارشد، گاه غیرقابل جبران است.

دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی خاطرنشان کرد: تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بر موضوع «کادرسازی» است. جایگاه مناسب برای نهادینه‌سازی این ساختار آموزشی، بی‌تردید احزاب هستند. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که نظام حکمرانی عمدتاً بر پایه فعالیت‌های حزبی و پارلمانی استوار است. بنابراین بسیار مهم است که احزاب در این زمینه نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند. احزاب می‌توانند با تشکیل کارگروه‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف، مشکلات و معضلات جامعه را بررسی کرده، آن‌ها را آسیب‌شناسی و برای حل آن‌ها راهکار ارائه کنند.

شهاب در رابطه با نقش احزاب در پیشبرد اهداف کشور نیز گفت: پس از آنکه مشکلات و معضلات کشور مورد آسیب‌شناسی قرار گرفت، باید اولویت‌بندی شوند. در ادامه، متناسب با این اولویت‌ها و با هماهنگی مسئولان، می‌توان از مسیر مطالبه‌گری، راهکارهای صحیح، اجرایی و منطقی را استخراج کرد. در واقع احزاب باید بتوانند این راهکارها را تدوین و ارائه دهند؛ چنانچه حزب در دولت حضور داشته باشد، می‌تواند آن‌ها را مستقیماً اجرا کند و اگر سکاندار دولت نباشد، می‌تواند با همکاری و هماهنگی دولت و دستگاه‌های اجرایی، راهکارها را به اشتراک گذاشته و در جهت تحقق آن‌ها تلاش کند.

وی با اشاره به اهمیت بررسی مسائل کشور توسط احزاب و آمادگی آنها برای حضور در عرصه‌ها و تربیت نیروهای توانمند یادآور شد: ضرورت این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که حتی برخی نامزدهای ریاست‌جمهوری در دوره‌های گذشته، شعار «حرکت به سوی دولت حزبی» را مطرح کرده‌اند. اهمیت موضوع در اینجاست که احزاب باید پیش از انتخابات، در کارگروه‌های تخصصی خود، برنامه‌ریزی دقیق برای اداره کشور انجام دهند. نباید به گونه‌ای باشد که فردی پس از پیروزی در انتخابات و تصدی سمت ریاست‌جمهوری، تازه به فکر تدوین برنامه برای اداره کشور بیفتد.

رئیس‌جمهور باید پیش از آغاز مسئولیت برنامه چهار ساله دقیق داشته باشد

دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی در همین رابطه اظهار کرد: رئیس‌جمهور باید پیش از آغاز مسئولیت، بداند در چهار سال آینده برای تک‌تک روزها چه برنامه‌ای دارد. البته صرف داشتن برنامه نیز کافی نیست؛ زیرا زمانی که سکان مدیریت کشور به دست رئیس‌جمهور می‌رسد، علاوه بر برنامه‌ریزی، وجود اهرم‌ها و سازوکارهای اجرایی برای تحقق آن برنامه‌ها نیز ضروری است. در حقیقت، کار اصلی تازه از آن زمان آغاز می‌شود.

شهاب ادامه داد: مقدمه‌ای برای نقش‌آفرینی جدی‌تر احزاب در عرصه حکمرانی، با تصویب قانون تناسبی شدن انتخابات شوراهای شهر در مجلس شورای اسلامی رقم خورده است. این قانون که از انتخابات سال آینده در تهران و شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر اجرا خواهد شد، زمینه‌ای فراهم می‌کند تا احزاب به‌صورت رسمی‌تر در انتخابات حضور یابند و نقش‌آفرینی کنند.

وی در همین رابطه گفت: تا پیش از این، چنین سازوکاری وجود نداشت و فهرست‌های انتخاباتی احزاب به‌صورت رسمی و با نام آن‌ها در پای صندوق‌های رأی درج نمی‌شد. این تحول می‌تواند گامی مثبت باشد تا مردم بیش از گذشته با احزاب آشنا شوند. در این مسیر، نقش رسانه ملی، خبرگزاری‌ها و نشریات مختلف بسیار مهم است؛ چراکه باید احزاب فعال و توانمندی را که در زمینه آموزش نیرو، کادرسازی و فعالیت حزبی تلاش کرده‌اند، به جامعه معرفی کنند.

دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی بیان کرد: وقتی مردم با شناخت و آگاهی کامل به یک حزب رأی می‌دهند، در واقع مدیریت اجرایی در شوراهای شهر، مجلس و حتی ریاست‌جمهوری را به نمایندگان همان حزب می‌سپارند. طبیعی است که در ادامه نیز مطالبه‌گری مردم از خود حزب صورت می‌گیرد و جامعه می‌تواند عملکرد آن حزب را به‌طور شفاف ارزیابی کند؛ اینکه آیا موفق بوده یا ضعیف عمل کرده است. این روند موجب می‌شود مسئولیت‌پذیری احزاب تقویت شود و دیگر امکان آن وجود نداشته باشد که فردی پس از پایان دوره مسئولیت خود، بدون پاسخگویی از صحنه خارج شود.

احزاب به جایگاه «مرجعیت سیاسی» برای جامعه دست یابند

شهاب نسبت به برخی از آسیب‌ها در جریان فعالیت حزبی نیز پرداخت و تصریح کرد: البته باید به یک آسیب جدی نیز توجه داشت و آن اینکه احزاب نباید درگیر بازی‌های سیاسی و سهم‌خواهی‌های جناحی شوند. این یکی از آسیب‌هایی است که احزاب باید خود را از آن مصون نگه دارند. ورود احزاب به انتخابات باید بر اساس معرفی نخبگان سیاسی آموزش‌دیده و کادرسازی‌شده باشد؛ افرادی که مردم بتوانند آنان را به‌عنوان مرجع مورد اعتماد بپذیرند.

وی عنوان کرد: همان‌گونه که در حوزه فرهنگ یا مسائل مذهبی، مراجع دینی برای مردم جایگاه مرجعیت دارند و مردم برای حل مسائل و دریافت راهنمایی به آن‌ها مراجعه می‌کنند، احزاب نیز باید به چنین جایگاه «مرجعیت سیاسی» برای جامعه دست یابند. در این صورت مردم با مراجعه به احزاب می‌توانند مشکلات خود را مطرح کرده و راهکارهای لازم را دریافت کنند. این جایگاه تنها با حضور و نقش‌آفرینی نخبگان سیاسی در احزاب معنا پیدا می‌کند.

دبیرکل جامعه جوانان متحد اسلامی تأکید کرد: تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها نظام حکمرانی بر اساس سازوکار حزبی اداره می‌شود. در همین راستا، «جامعه جوانان متحد اسلامی» طی مدت فعالیت خود کوشیده است با جذب جوانان نخبه و کارآمد، آنان را در قالب کارگروه‌های تخصصی سازماندهی کند. در حال حاضر، این جامعه پنج کارگروه تخصصی در حوزه‌های بین‌الملل، اقتصاد، مدیریت شهری، کشاورزی و حقوق تشکیل داده است و درصدد است این کارگروه‌ها را توسعه دهد.

شهاب یادآور شد: می‌توان گفت که حتی در دوران کرونا نیز این مجموعه از آموزش غفلت نکرد و به‌عنوان یکی از نخستین تشکل‌ها، آموزش را به‌صورت مجازی برای اعضا و هواداران خود ادامه داد.

بررسی مواضع راست رادیکال در پی شکست برجام و اجرایی شدن اسنپ‌بک

سمیه متقی
فعال سیاسی و روزنامه نگار

سرویس سیاسی – شاید در عالم سیاست شادی برای ناکامی رقیب سیاسی عجیب نباشد و احتمالاً در همه دنیا این ناکامی‌ها مجال رقابت قوی‌تر را فراهم می‌کند اما این رفتار آنها که خود را انقلابی می‌دانند و از نگرانی برای سفره مردم سخن میگویند؛ بسیار بعید است. آیا در رقابت سیاسی و آن هم در بُعد سیاست خارجی ناکامی یک دولت که البته ناکامی یک کشور به شمار می‌رود می‌تواند موجب ذوق‌زدگی یک جریان سیاسی باشد؟

۱۰ سال پیش که برجام به عنوان توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵ مطرح شد و به امضای طرفین رسید، در داخل ایران از سوی جریان‌های سیاسی واکنش‌های مختلفی شکل گرفت. در برابر آنها که موافق چنین تصمیم و توافقی بودند که سایه قطعنامه‌ها و عواقب آن را از سرمان برمی‌داشت، جریان و صدای دیگری هم بود (که البته در همان زمان دولت حسن روحانی و تلاش‌های آنها برای تحقق این توافق، هم صدای بلندی محسوب می‌شد(.

جریانی که بخش عمده آن یا پیشتر مسئول مذاکرات هسته‌ای بودند مانند سعید جلیلی که نتیجه سیر مذاکراتش آن قطعنامه‌های مشهور بود و یا طرفداران آنها در دولت قبل از حسن روحانی یعنی در دولت محمود احمدینژاد.

افرادی که صدایشان در مجلس نهم اصولگرا بلند شد و علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی را تهدید کرد و روح‌الله حسینیان به عنوان یکی از این چهره‌ها در جلسه‌ای خطاب به او «قسم جلاله یاد کرده‌اند که وی را در تأسیسات آب سنگین اراک اعدام کنند و داخل بتن قرار دهند».

البته در نهایت برجام در همین مجلس به تصویب رسید. از این پس این جریان که بخشی از تندروهای اصولگرایی را تشکیل میدهند، کاروِیژه خاصی را در پیش گرفتند.

رویکرد تندروهای اصولگرا در برابر برجام

اول؛ طی دو سال ۱۳۹٤ تا ۱۳۹٦ تا زمانی که آمریکا از برجام خارج نشده بود، این جریان به شدت تاکید داشت توافق برجام حتی اگر ما را از ذیل فصل ۷ منشور ملل متحد خارج کرده‌است، نه مهم نه اثرگذار است؛ چیزی که بر اساس آمار و ارقام اقتصادی و نوع روابط بینالملل در دوره اول ریاست‌جمهوری حسن روحانی و وزارت خارجه محمدجواد ظریف آثارش مشخص و بهبود وضعیت نسبی در حال وقوع بود.

البته در این بازه بعید است، همراهان این دیدگاه به بندهای این توافق اشاره داشته‌باشند و همه روی کلیات چنین توافقی و مخالفت‌شان با آن تمرکز کرده بودند.

دوم؛ پس از خروج آمریکا از برجام که مصادف با دولت دوم حسن روحانی بود، این جریان در بوق و کرنا کرد و دولت وقت را بر سر این اتفاق مورد اعتراض و تخطئه قرار داد و به عبارتی اگر تا دیروز مخالف این توافق بودند حالا داعیه‌دار آن شدند که چرا دولت نتوانسته آن را حفظ کند و چرا در برجام این رخداد در نظر گرفته نشده بود.

در ادامه هم که وقتی قرار بر این شد مذاکرات دیگری برای احیای آن انجام گیرد از جمله تلاشهمین جریان تصویب قانون «اقدام راهبری برای لغو تحریمها و صیانت از حقوق ملت ایران» در مجلس یازدهم بود که به گفته دولتمردان آن زمان، مانع بزرگی بر سر احیای برجام بود و به نوعی از این کانال، احیای برجام در آن بازه زمانی از دست رفت.

سوم؛ با پایان دولت دوازدهم همین جریان از این عدم موفقیت دولت روحانی در این مذاکرات انتقاد کرد. دولت سیزدهم که دولت مقبول و مطلوبشان بود نیز وقتی روی کار آمد ابتدا به دنبال یک مذاکره حداکثری پیش رفت و اما در ادامه همانها پیگیر همان احیای برجام و خواهان بازگشت به توافق قبل شدند که البته بی‌نتیجه‌ماند.

چهارم؛ از سال ۱٤۰۳ که در پی سقوط بالگرد سیدابراهیم رئیسی و امیرعبداللهیان باردیگر دولت عوض شد و تیم جدید که اتفاقاً موافق توافق برجام و خواهان تنشزدایی بودند روی کار آمدند و تلاش جدیدی را در راستای حفظ برجام آغاز کردند با روی کار آمدن این دولت حمله به محمدجواد ظریف به عنوان وزیر خارجه دولت حسن روحانی که توانست برجام را به امضا برساند، آغاز شد که البته همین جریان موجب حذف او از دولت شد.

دولت هم درباره احیای برجام که آخرین سال آن بود موفق نشد و مکانیزم ماشه که وضعیت ایران در سطح بینالملل را به سال‌های قبل برجام باز میگرداند، فعال شد و موج جدید واکنش این جریان آغاز شد.

مکانیزم ماشه فعال شد

فعال شدن مکانیزم ماشه طی هفته های اخیر موضوع داغ رسانه ها بود؛ از اهمیت آن تا آثار فعال شدن آن در این بین مطرح شد و آنچه در پی فعال‌سازی مکانیزم ماشه از سوی این جریان تندرو اصولگرا مطرح شد قابل تأمل است.

مثلاً سعید جلیلی در حساب ایکس خود، توئیت قدیمی خود را بازنشر کرد و برجام و روند مذاکرات آن را با «خسارت‌ـ محض و ۱۰ سال گذشت» یاد کرد. در توئیت قدیمی او آمده بود: «افتخار می‌کنم در دوره ما توافقی امضا نشد که اگر طرف مقابل آن را نقض کرد ایران حتی نتواند شکایت کند.»

امیرحسین ثابتی، از نزدیکان سعید جلیلی، در اظهارنظری تند، این رویداد را «پایان رسمی برجام» و «به تاریخ پیوستن» این توافق خوانده است. ثابتی در پستی در کانال تلگرامی خود، برجام را «توافقی استعماری و یکطرفه» توصیف کرد که به گفته وی «ده سال عمر یک ملت را تلف کرد و زیرساخت‌های اتمی ایران را محدود نمود.»

یا محسن زنگنه، عضو کمیسیون برنامه و بودجه نوشت: «به حول و قوه الهی ۲۸ سپتامبر (٦ مهر) به روز ملی قطع کامل امید از آمریکا و غرب تبدیل و سرآغاز تحول اقتصادی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و تعمیق پیوندهای اقتصادی با کشورهای شرق، همسایه و دوست خواهد شد».

همین سه نمونه کافی بود برای اینکه افرادی مانند محمدرضا جوادی‌یگانه، مشاور اجتماعی رئیس‌جمهور در کانال تلگرامی خود بنویسد: «این حجم از شادی بر عدم موفقیت رقیب سیاسی در غلبه بر تحریم‌ها، و بی‌توجهی مطلق به شدت نگرانی اقتصادی مردم، در میانه یک فرسایش تمدنی را تنها می‌توان با از دست رفتن حسگرهای کلان شناسایی خطر تحلیل کرد. مقایسه کنید این تفاخرها را با احساس بی‌آیندگی و کرختی ناشی از استیصال در مردم.»

یا غلامحسین کرباسچی، مدیر مسئول روزنامه هم‌میهن بگوید: «لحن‌شان و اظهار خوشحالی‌شان، همان لحن و شادمانی‌ای است که از سوی «ضدانقلاب خارج‌نشین»، بعضا در اسرائیل و حتی در نطق‌هایی که به نام آقای نتانیاهو مطرح می‌شود، شنیده می‌شود و برای بنده بسیار عجیب است. واقعاً نمی‌دانم تحلیل آنها چیست؛ من واقعاً در مغز این افراد نیستم. اگر مغز آدم سالم باشد، منطقی نیست که فردی در برابر فشاری که بر مردم وارد می‌شود، چنین شادمانی‌ای نشان دهد. هرچه فکر می‌کنم، نتیجه‌ای در ذهنم شکل نمی‌گیرد؛ آیا با این فشارها اتفاق مثبتی در کشور رخ خواهد داد؟ یا این‌که وضع زندگی مردم بهتر خواهد شد؟ نمی‌دانم.

البته بار اولی نیست که مواضع طیف تندرو با مواضع خارج از کشور همسو است و همپوشانی دارند. در جریان گفت‌وگوهای منجر به برجام، و حتی بعد از حصول توافق هسته‌ای، مخالفت‌های مخالفان مذاکره و برجام، شبیه به مخالفت‌های اسرائیل و برخی کشورهای منطقه توصیف می‌شدند. با روی کار آمدن ترامپ هم، او به اردوگاه مخالفان خارجی برجام ملحق شد و مواضع او نیز شبیه به مخالفان ایرانی برجام قلمداد می‌شد. حالا هم نخست‌وزیر اسرائیل از مکانیسم ماشه استقبال کرده است.»

یا محمد مهاجری، تحلیل‌گر مسایل سیاسی در واکنش به شادمانی تندروها از فعال شدن مکانیزم ماشه چنین واکنش نشان دهد که «این طیف اکنون خوشحالند چون تصور می‌کنند بازگشت مکانیزم ماشه به‌معنای اضمحلال و نابودی برجام است و گمان می‌برند چنانچه مکانیزم ماشه بازگردد و تحریم‌ها تشدید شود، در واقع ادعای آنها که از ابتدا می‌گفتند برجام خسارت بزرگی برای کشور بوده ثابت خواهد شد. توجه داشته باشید که این یک دلیل پوششی است. دلیل اصلی آن است که آن‌ها به‌عنوان پادوهای کاسبان تحریم بار دیگر می‌توانند به کاسبان تحریم خدمتی تازه ارائه دهند و مجدداً از چالش‌های اقتصادی ملت نفع ببرند.»

و همچنین فلاحتپیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم به آن بپردازد و بگوید: «اما این خوشحالی، یک خوشحالی ساده نیست، نشان می‌دهد که آنها تنها چیزی که برایشان مهم است، تبدیل ناکامی‌های سیاست خارجی به عاملی برای کسب مجدد قدرت سیاسی در ایران است. به عبارتی، افراطیون فقط به کسب قدرت فکر می‌کنند و این موضوع را از راه‌های غیرمنافع ملی هم دنبال می‌کنند و دیدیم که اخیراً از الگوی چینی هم صحبت می‌کنند. الان هم یکی از سردمداران افراطیون که عضو شورای عالی امنیت ملی هم هست، کل مسیر گذشته را زیر سوال می‌برد و هیچ صحبتی از فرصت‌سوزی نمی‌کند.»

شاید در عالم سیاست شادی برای ناکامی رقیب سیاسی عجیب نباشد و احتمالاً در همه دنیا این ناکامی‌ها مجال رقابت قوی‌تر را فراهم می‌کند اما این رفتار آنها که خود را انقلابی می‌دانند و از نگرانی برای سفره مردم سخن میگویند؛ بسیار بعید است. آیا در رقابت سیاسی و آن هم در بُعد سیاست خارجی ناکامی یک دولت که البته ناکامی یک کشور به شمار می‌رود می‌تواند موجب ذوق‌زدگی یک جریان سیاسی باشد؟

در برابر آنها که مدعی آن هستند که برجام ۱۰ سال عمر مردم را تلف کرد، این سوال مطرح است و خوب است به آن فکر کنند که وقتی برجام امضا نشده بود ما همه‌جوره تحریم بودیم و اگر امضا نمیشد دقیقاً چه فرصتی داشتیم که بتوانیم از آن استفاده کنیم که حالا دم از تلف شدن آن میزنند؟ غیر از این بود که همین روسیه و چین هم حاضر نبودند با ما مراودهای داشته باشند؟

غیر از این بود که ما ۱۰ سال زودتر در نقطه کنونی بودیم و روزبه‌روز آینده تیره و مبهم‌تری را داشتیم. چرا این جماعت تندرو نگاهی نمی کنند که آن سوی آب همان ها که خواهان نابودی کشور بودند تا به خواسته خودشان برسند، هم‌نظر با اینها از فعال شدن مکانیزم ماشه استقبال کردند و حالا همسو با هم بر این طبل می کوبند.

کاش این افراد کمی از منافع جریانی خود بگذرند و منافع ملی را ببینند و برای عبور از این پیچ سخت به جای تخطئه دست به کاری‌سازنده‌تر بزنند.

قائم‌پناه:

الحاق ایران به پالرمو و CFT نتیجه عملکرد پزشکیان است

سرویس سیاسی – قائم‌پناه گفت: «طرح مجدد و تصویب الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو و CFT پس از سال‌ها خروج از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام، هرچند با تأخیر بسیار زیاد، ثمره عمل پزشکیان به وفاق ملی و پرهیز از تقابل بی‌ثمر است.

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو و CFT را پس از سال‌ها خروج از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام، نتیجه عمل رئیس‌جمهوری به وفاق ملی دانست.

محمدجعفر قائم‌پناه در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «طرح مجدد و تصویب الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو و CFT پس از سال‌ها خروج از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام، هرچند با تأخیر بسیار زیاد، ثمره عمل رئیس‌جمهور پزشکیان به وفاق ملی و پرهیز از تقابل بی‌ثمر است.

امید که با رفع این موانع، راه سخت بهبود وضعیت اقتصادی هموارتر شود.»

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه‌ای که پس از برگزاری چهار جلسه در صحن و نشست‌های کمیسیون مشترک انجام شد با پیوستن ایران به کنوانسیون CFT به‌صورت مشروط موافقت کرد.

کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) از کنوانسیون‌های بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ از سوی سازمان ملل متحد تصویب شده‌است.

صوفی عضو کمیسیون عمران مجلس:

وزارت اقتصاد، وزارت نیرو و بانک مرکزی کجا هستند!

سرویس سیاسی – عضو کمیسیون عمران مجلس گفت: در شرایط سخت اقتصادی کشور، ورود شتاب‌زده به فرایند استیضاح مناسب نیست؛ با این حال نقش بانک مرکزی و دولت در حل بحران مسکن و پروژه‌های زیرساختی تعیین‌کننده است.

عضو کمیسیون عمران و شهرسازی مجلس شورای اسلامی معتقد است که شرایط اقتصادی کشور ایجاب می‌کند به وزارت راه و شهرسازی فرصت داده شود تا برنامه‌های خود در حوزه مسکن و زیرساخت را پیش ببرد.

عباس صوفی با اشاره به موضوع استیضاح وزیر راه و شهرسازی گفت: بخش عمده مشکلات این حوزه ناشی از عدم همکاری بانک مرکزی و ضعف در تأمین مالی است و حل بحران مسکن بدون عزم جدی دولت، به‌ویژه وزارت اقتصاد و نهادهای پولی امکان‌پذیر نخواهد بود.

عضو کمیسیون عمران و شهرسازی مجلس ادامه داد: در شرایط کنونی به‌نظر می‌رسد ورود شتاب‌زده به فرایند استیضاح مناسب نباشد. با وجود مشکلات متعدد بهتر است فرصت داده شود تا کارها پیش رود. در این مقطع نیازمند وفاق و اتحاد هستیم؛ هرچند وزیر باید متعهد باشد و وظایف قانونی خود را انجام دهد. این تعهد بدان معنا نیست که او می‌تواند خارج از برنامه‌ها و نظارت مجلس عمل کند. مجلس از طریق ابزارهای خود فشار لازم را در حوزه مسکن وارد می‌کند؛ مساله مسکن باید حل شود.

وی متذکر شد: موضوع مسکن تنها متولی یک‌جانبه ندارد؛ یک «بال» آن وزارت راه و شهرسازی است و «بال» دیگر آن وزارت اقتصاد؛ به‌علاوه وزارت نیرو و شبکه زیرساختی کشور نیز سهم دارند، اما نقش اصلی به وزارت اقتصاد و نظام بانکی و تأمین تسهیلات مربوط است.

عضو کمیسیون عمران و شهرسازی مجلس افزود: برنامه جامع وزارت راه و شهرسازی درباره واگذاری زمین در کمیسیون عمران در دست بحث است و آقای طاهرخانی، معاون مسکن، موظف است گزارش جامعی ارائه دهد. سیاست‌گذاری در این حوزه این است که زمین در اختیار مردم قرار گیرد تا مردم خود به ساخت اقدام کنند و بانک‌ها نیز تسهیلات لازم را فراهم سازند. نکته مهم دیگر، تعیین تکلیف ساختمان‌های نیمه‌تمام است که پیشرفت فیزیکی برخی از آنها بین ۱۰ تا ۹۰ درصد متغیر است؛ این پروژه‌ها باید سریع‌تر تعیین تکلیف و تکمیل شوند تا بار مشکلات در شرایط کنونی کاهش یابد.

صوفی با بیان اینکه «در زمینه زیرساخت‌ها — از جمله جاده‌ها، راه‌آهن و ناوگان هوایی — سیاست کلان این است که در شرایط تحریم و فشارهای سنگین، کشور به شدت نیازمند آرامش است»، خاطرنشان کرد: باید از هرگونه تلاطم‌آفرینی خودداری کنیم. با این حال در صورتی که مشخص شود دستگاه‌هایی عملاً کار انجام نمی‌دهند، موضوع متفاوت خواهد بود. تجربه نشان داده که هر چند تلاش‌هایی صورت گرفته اما عدم توفیق در دستیابی به خواسته‌های مورد انتظار مجلس و مردم وجهی دیگر نیز دارد؛ آن وجه مربوط به شرایط نامطلوب اقتصادی و ضعف همراهی نظام بانکی و بانک مرکزی است.

وزارت راه و شهرسازی نباید خارج از برنامه و نظارت مجلس عمل کند/وزارت اقتصاد، نیرو و بانک مرکزی کجا هستند؟

نماینده مردم همدان در مجلس با اشاره به نقش بانک مرکزی در این زمینه گفت: متأسفانه بانک مرکزی و برخی نهادهای مرتبط همکاری لازم را در حمایت از بخش مسکن فراهم نکرده‌اند. ما این موضوع را هم به وزیر اقتصاد و هم به رئیس کل بانک مرکزی منتقل کرده‌ایم. به‌دلیل عدم همراهی لازم از سوی بانک مرکزی و نهادهای ذی‌ربط، بار اصلی امور بر دوش وزارت راه و شهرسازی افتاده است.

عضو کمیسیون عمران و شهرسازی مجلس با بیان اینکه «باید بپذیریم که امسال سال سختی از نظر درآمدی است»، اظهار داشت: کاهش قابل توجه درآمدهای کشور فشار زیادی بر مسائل زیرساختی و عمرانی وارد کرده است. با این وجود، انتظار می‌رود وزارت راه و شهرسازی از ابزارهای تأمین مالی مانند مولدسازی دارایی‌ها استفاده کند. این وزارتخانه ظرفیت و دارایی‌هایی در اختیار دارد که از طریق اجرای قانون مولدسازی باید به کار گرفته شوند. خانم وزیر نیز قول داده‌اند که در این حوزه برنامه‌ریزی خواهند کرد؛ بنابراین در صورت دیدن پیشرفت در این مسیر، مجلس و دستگاه‌های ذی‌ربط نهایت همکاری را خواهند داشت؛ در غیر این صورت، اگر کمیسیون عمران به این نتیجه برسد که اقدامات ناکافی است، راهکارهای بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کمیسیون عمران از برخی جنبه‌ها گلایه‌مند است، اما در مجموع شاهد کوشش‌هایی از سوی این وزارتخانه هستیم.

صوفی با بیان اینکه «کار مسکن و توسعه زیرساخت‌ها نیازمند عزم ملی است اما بخشی از آن تأمین منابع مالی است»، ادامه داد: درست است که وزارت راه و شهرسازی احتمالاً منابع مالی کافی در اختیار ندارد– و این ادعا تا حدی موجه است، زیرا درآمدهای کشور کاهش چشمگیری داشته‌اند– اما اعتقاد داریم وزارتخانه باید با بهره‌گیری از ظرفیت مولدسازی و جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی وارد عمل شود. بدنه وزارت راه و شهرسازی نیازمند کارآمد شدن است و به فعالیت سازمان‌یافته‌تری نیاز دارد. از این‌رو تا حد امکان باید از استفاده از ابزار استیضاح و مقدمات آن خودداری کنیم و فرصت دهیم تا در این شرایط بحرانی کارها انجام شود؛ این نگرش مطابق با تأکیدات رهبر انقلاب بر لزوم وحدت و همدلی نیز هست. هدف آن است که با همکاری و همراهی همه نهادها این دوران را پشت سر بگذاریم و نتیجه‌های مثبت را ارزیابی کنیم.

وی در پایان متذکر شد: دولت باید به‌طور جدی وارد میدان شود و در موضوع مسکن، ساخت جاده‌ها و توسعه شبکه ریلی حضور فعال داشته باشد. وزارت راه و شهرسازی به‌تنهایی قادر به رفع همه مشکلات نیست؛ منظور از «دولت» در اینجا وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و وزارت نیرو است؛ متأسفانه در عزم و جدیت این دستگاه‌ها برای پیگیری مسائل مربوطه، نشانه‌های کافی مشاهده نمی‌شود. این موضوع نیازمند تدبیر فوری و تصمیم‌گیری جدی است.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹